

انجام خواهد پذیرفت. اروپایی‌ها باید با این شرایط کنار بیایند. یکی از نیازهای کلیدی برای هرگونه مداخله مشروعیت بین‌المللی آن است، اما مخالفت چین و روسیه دریافت دستور شورای امنیت برای آن را اغلب غیرممکن خواهد است. این بدین معنی است که اروپایی‌ها باید به ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای که به طور فزاینده‌ای کلید مشروعیت‌بخشی و اجرای مداخلات خواهد بود، کمک کنند.

بعضی معتقدند اروپا می‌تواند به طور موثر از جغرافیای سیاسی خارج شود و به "اُپین اروپایی" تبدیل شود، یعنی، به‌جز دفاع مشروع، امکان نظامی‌گری دیگری نداشته باشد. اما، با توجه به افزایش بی‌ثباتی در همسایگی‌های جنوبی و شرقی اروپا، این غیرواقع‌بینانه است. علاوه‌براین، درحالی‌که گذشته اروپا می‌توانست به ایالات متحده برای ارائه کمک‌های نظامی برای حل مشکلاتش در همسایگی خود، مانند بالکان و ۱۹۹۰ و به میزان کمتری در لیبی در سال ۲۰۱۱ تکیه کند، ممکن است این امکان در آینده وجود نداشته باشد.

در سال ۲۰۰۳، مسئله مهمی در جهان وجود نداشت که در منشور اقیانوس اطلس دیده نشده باشد. اما سیاست آمریکا در همه چیز، از سوریه گرفته تا بحران بدهی، پرسش‌های بزرگی برای اروپایی‌ها ایجاد کرد. با کاهش بودجه دفاعی ایالات متحده و "چرخش" آمریکا به سمت آسیا، باراک اوباما در عصر ریاضت اقتصادی روش کم‌هزینه‌ی جدیدی را برای رهبری ایالات متحده [به جهات] در پیش گرفته است. این روش شامل استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین (پهپادها)، نیروهای ویژه و جنگ الکترونیک به جای مداخلات کلان‌مقیاس و ترکیبی از قدرت نرم و تحریم به عنوان جایگزینی برای تعاملات دیپلماتیک عمیق‌تر و یا اقدام نظامی در "زهري از پشت" که در آن مداخلات کاملاً ضروری تصور می‌شود، می‌گردد، به‌طورخاص، واکنش‌های اوباما به وقایع، از مصر گرفته تا لیبی و سوریه، رویکرد جدید ایالات متحده به خاورمیانه، منطقه‌ای با اهمیت راهبردی زیاد برای اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد.

تصمیم به این کاهش‌ها "شدیداً براساس مبانی ملی و بدون هر گونه مشاوری یا هماهنگی با اتحادیه اروپا یا ناتو" و بدون توجه به قابلیت دفاع کلی که از مجموع این تصمیمات ملی حاصل می‌شود، گرفته‌اند. تعاملات عمده و پایدار مانند آنچه بسیاری از کشورهای عضو در افغانستان و عراق در دهه قبل به عهده گرفتند در آینده قابل‌پیش‌بینی غیرقابل تصور است. حتی باید در تمایل یا توانایی اروپایی‌ها برای مداخلات کوتاه مدت مانند آنچه در لیبی و مالی دیده شد تردید داشت.

در سطح جهانی نیز، تغییری به سمت دور شدن از مفهوم "مسئولیت حمایت" پس از اجلاس سران سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ دیده می‌شود. درحالی‌که انگاره (دکترین) استفاده از نیروی نظامی در لیبی توسط شورای امنیت سازمان ملل به راه انداخته شده بود، اما پس از آن باعث واکنش قوی از روسیه، چین و دیگر قدرت‌های در حال ظهور شد که استدلال می‌کردند که عملیات نظامی علیه قذافی از خط قرمز حمایت‌های بشردوستانه عبور کرده و به تمایل برای تغییر رژیم تبدیل شده است. در شرایط فعلی، هرگونه پیشنهادی که شورای امنیت سازمان ملل اجازه استفاده از نیروی نظامی برای جلوگیری از حملات یک دولت به مردمش را بدهد، به احتمال زیاد مسدود خواهد شد.

در زمان راهبرد امنیتی اروپا، اروپا به‌تازگی بر جنگ‌گریزی خود غلبه کرده بود و با موفقیت در بالکان مداخله کرده بود. در آینده، دولت‌های اروپایی به‌خاطر ترس مردم از گرفتاری آستانه مشروعیت بالاتری خواهند داشت. در نتیجه، به‌جای نیروهای غربی مداخلات به‌طورفزاینده‌ای توسط ارتش‌های منطقه‌ای، نیروهای حافظ صلح و شورشیان تحت حمایت غرب

دنبال دارد: فرانسه و انگلستان به‌طور معمول نسبت به آلمان تمایل بیشتری برای کنار گذاشتن موانع حقوقی بین‌المللی دارند. به احتمال زیاد، موضع پیش‌فرض اروپا همیشه رفتن به سازمان ملل متحد خواهد بود. اما در محیطی چندقطبی، اتحادیه اروپا ممکن است هیچ چاره‌ای جز در اتحادیه‌های کوتاه‌مدت و شرکای منطقه‌ای برای کنترل تهدیدات پرسرعت و حتی قانونی کردن استفاده از زور- نداشته باشد.

مداخله لیبرال در یک زمان از ریاضت و خستگی

پس از یک دهه از حضور در عراق و افغانستان، گرایش ملموسی در سراسر اروپا برای [نادیده گرفتن] آنچه رابرت گیتس، وزیر دفاع سابق آمریکا از آن با "غیرنظامی‌سازی" (demilitarization) اروپا نام برد و تشکیل نیروهای مسلح قوی وجود دارد. مبارزه‌های طولانی برای ایجاد توافقات سیاسی دموکراتیک و حاکمیت قانون در آن کشورها- و نتایج بسیار نامشخص به‌دست آمده- سیاست‌گذاران اروپایی را از

مشکلات بازسازی جوامع بعد از جنگ داخلی و مداخله نظامی آگاه کرده است. درعین‌حال، بحران اقتصادی روند کاهش هزینه‌های نظامی موجود را برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا تشدید کرده است.

این کاهش‌ها باعث فرسوده شدن قابلیت‌های نظامی اروپا شده است. هزینه‌های دفاع اتحادیه اروپا از ۲۵۱ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۱ به ۱۹۴ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است، درحالی‌که دولت‌های اروپایی هزینه‌های تحقیق و توسعه دفاعی خود را بین سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ نصف کرده‌اند. سیزده کشور عضو

خروج آمریکا

بدان معناست

که اروپایی‌ها

باید مسئولیت

حل مشکلاتشان

در همسایگی

خود را به‌عهده

بگیرند. اروپا

تنها نخواهد

ماند، به‌خصوص

اگر تنش‌ها با

ایران منجر به

هرج و مرج در

خاور میانه بشود